

دوفصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال دوم، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

نقش زبان در هویت ملی

محمد رضا قمری^۱

محمد حسن زاده^۲

چکیده

زبان و هویت، دو جزء جدایی ناپذیر در تشکیل زیرساخت‌های جوامع بشری در عرصه روابط فردی و اجتماعی است. در این مقاله، ارتباط این دو مقوله را بررسی می‌کنیم و می‌کوشیم نقش زبان را در بسترسازی و ایجاد هویت ملی تحلیل کنیم. این تحقیق از نوع کتابخانه‌ای است و به روش مروری انجام شده است. برای دست یافتن به نظریه‌های صاحب نظران و کارشناسان، منابع مختلف از جمله مجله‌های تخصصی، پایگاه‌های اینترنتی و کتاب‌ها را مطالعه کرده‌ایم. انقلاب اطلاعات در چند دهه قبل و به دنبال آن، فرایند

۱. مربی گروه زبان و ادبیات دانشگاه علوم انتظامی و دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبایی

dr_m_rezaghamary2@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه علامه طباطبایی vatan206@yahoo.com

تاریخ دریافت ۸۷/۶/۱، تاریخ تصویب ۸۷/۱۲/۳

جهانی‌سازی که مرزهای زبانی و هویتی را درنوردیده است، به‌طور فزاینده‌ای بر لزوم پرداختن به مسئله زبان و هویت تأثیر گذاشته است؛ بنابراین، در پژوهش حاضر، مفاهیم هویت، هویت قومی، هویت ملی و تأثیرپذیری آنها از زبان؛ زبان قومی، زبان ملی و ارتباط آنها با هویت؛ برخی نظریه‌های زبانی درباره هویت؛ مصداق‌های زبانی‌ای که در ایجاد هویت مؤثرند و نقش ادب دینی در هویت ملی به‌ویژه ایرانی را بررسی کرده‌ایم. درنهایت، تحلیل نظریه‌ها و مصداق‌ها مؤید نقش مهم زبان در ایجاد هویت قومی و ملی است و احترام گذاشتن به زبان قومیت‌ها و توجه بیشتر به زبان ملی به‌منزله ابزار مهم ارتباط دولت با ملت و ریسمان اتحاد و انسجام اقوام مختلف پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: زبان، زبان قومی، زبان ملی، هویت،

قومیت.

۱. مقدمه

زبان همواره نقش مهمی در ایجاد و بیان هویت داشته است. در عصر پسانوگرا، با افول برخی نشانه‌های هویت همچون نژاد، این نقش مهم‌تر نیز شده است (Warschauer, 2007). امروزه، اقتصاد بین‌المللی و یکپارچگی رسانه‌ها تغییرهای شگرفی در سراسر جهان ایجاد کرده است. این تغییرها جریان ثروت، قدرت، نمادها و هویت را دربرمی‌گیرد و سبب گسیختگی برخی هویت‌ها و شکل‌گرفتن هویت‌های نو می‌شود. کاستلز (Castells, 1997) نیز این روند را تأیید می‌کند و معتقد است هویت به‌ویژه هویت مذهبی یا قومی از هنگام تشکیل جوامع انسانی وجود داشته است.

زبان برای مقاصد مختلفی به کار می‌رود. علاوه بر نقش اصلی زبان که برقراری ارتباط است، شوهامی (Shohamy, 2006) دیگر نقش مهم آن، یعنی ایجاد هویت در افراد و تعیین وفاداری آنان را یادآوری می‌کند. در این مقاله، چگونگی تحقق این نقش زبان را بررسی می‌کنیم. هویت دارای اقسام قومی، ملی، زبانی و دینی است و پرداختن به زبان، نیازمند توجه به تقسیم‌بندی آن به دو گونه زبان ملی و زبان قومی است. در ادامه بحث، این دو مقوله و ارتباط آنها با هویت را به طور جداگانه مطالعه می‌کنیم و می‌کوشیم برخی نظریه‌ها را که در فهم مفاهیم هویت و قومیت کاربرد دارند، تحلیل کنیم و از این رهگذر، میزان توجه صاحب‌نظران را به تایید و یا رد تأثیرپذیری هویت از زبان نشان دهیم.

مسئله هویت و زبان، و چگونگی تعامل این دو به مثابه دو جزء از زیرساخت‌های جوامع بشری، تا آن حد اهمیت دارد که برخی جامعه‌شناسان و تحلیلگران علوم اجتماعی معتقدند ملت‌ها زائیده عصر جدید نیستند؛ بلکه باید آنها را حاصل بازسازی هویت‌های سرزمینی قدیمی‌تر بدانیم که از سنت‌ها، تاریخ، زبان، مذهب، عوامل محیطی و جغرافیایی، و به‌ویژه اسطوره‌ها اثر می‌پذیرند (معینی علمداری، ۱۳۸۳؛ دیلم صالحی، ۱۳۸۵).

۲. رابطه زبان و هویت

صاحب‌نظران در تعریف هویت به جنبه‌های مختلفی پرداخته‌اند. هویت واژه‌ای عربی است که از ضمیر غایب «هُوَ» و «یت» سازنده مصدر جعلی، تشکیل شده است. فارسی‌زبانان این کلمه را معادل واژه انگلیسی Identity. استفاده می‌کنند. هویت از مفاهیم بنیادین علوم اجتماعی و به‌ویژه جامعه‌شناسی فرهنگی است و مثل دیگر مفاهیم علوم اجتماعی، برسر تعریف آن اختلاف نظر وجود دارد. به‌طور کلی، می‌توان این واژه را پاسخی به پرسش ماهیت و به‌معنی چیستی دانست. اندیشمندان حوزه‌های گوناگون، سطوح مختلفی را برای هویت طرح کرده‌اند؛ مثلاً روان‌شناسانی مانند پیازه و فروید، اساس شکل‌گیری هویت انسان را در مراحل مختلف رشد او می‌دانند. از نظر آنان، هویت از سطح فردی آغاز می‌شود و با گذر از لایه‌های اجتماعی، در احساس «هویت ملی» - که عالی‌ترین سطح هویت است - به تکامل می‌رسد.

جامعه‌شناسان، هویت را عبارت از احساسی می‌دانند که فرد در جامعه به آن دست می‌یابد و سپس با تکیه بر اشتراک‌ها و یا تفاوت‌هایی که با گروه‌های دیگر دارد، به درک احساس هویت مستقل می‌رسد (لک، ۱۳۸۴: ۱۱۳). در این تعریف، افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی‌شان، از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند.

هویت فرایند پاسخ‌گویی آگاهانه فرد به مجموعه‌ای از پرسش‌ها درباره خودش می‌باشد؛ مثلاً درباره گذشته‌اش و اینکه او کیست؛ کجا بوده؛ چه بوده؛ چه هست و به چه قبیله، نژاد و یا ملتی تعلق دارد؛ منشأ اصلی‌اش کجاست و در تمدن جهان، چه نقشی داشته است. شریعتی (شریعتی، ۱۳۵۸: ۲۹) معتقد است منظور از گذشته، گذشته قبرستان شده نیست؛ بلکه گذشته‌ای است که اکنون هم وجود دارد؛ گذشته‌ای که گونه‌ای کلاسیسم زنده است و الان هم حس می‌شود و ما با آن زندگی می‌کنیم؛ گذشته‌ای که شخصیت فرهنگی ما را می‌سازد و به آن تکیه می‌کنیم.

برخی اندیشمندان هویت را با تأکید بر وجه «تشخص» تعریف کرده‌اند. شیخاوندی (شیخاوندی، ۱۳۷۹) بر این باور است که هویت بیان‌کننده مجموعه ویژگی‌هایی است که امکان تعریف صریح یک شیء یا اسم یک شخص را فراهم می‌آورد. برخی هویت را عبارت از معناداری جامعه دانسته‌اند؛ بدین معنی که جامعه معنایی برای خودش قائل باشد، در چهارچوب آن عمل کند و در صورت ازدست دادن این معنا و یا پدید آمدن گسیختگی در معناداری به هر دلیل، با بحران هویت روبه‌رو شود (رجایی، ۱۳۷۳).

بوزان (Buzan, 2004: 271) هویت را روح جامعه می‌داند که «پاسداری از آن به بوتۀ فراموشی سپرده شده است و اینک باتوجه به جریان‌هایی چون مهاجرت‌های گسترده و جنگ‌های قومی، لازم است به آن توجه گردد».

نمود مفهوم زبان، گسترده‌تر از مفهوم هویت است. اگرچه نشانه‌هایی از ارتباط محکم زبان و هویت را در ایران می‌توان در زمان تشکیل دولت صفوی یافت، پیوند آشکار این دو مقوله در کشور ما به عصر مشروطیت برمی‌گردد. در اروپای قرن بیستم، ارتباطی محکم میان زبان و هویت دیده می‌شود و زبان، عاملی مهم در ظهور کشورهای مستقل به‌شمار می‌رود. این کشورها جایگزین سلسله‌های پادشاهی و امپراطوری‌ها می‌شوند و نامشان را با زبان‌ها می‌آمیزند. به‌نظر

گابینز و هالت (Gubbins and Holt, 2002)، این شیوه برای مشروعیت بخشیدن به قدرت سیاسی در کشورها لازم است.

منصوریان سرخگریه (منصوریان سرخگریه، ۱۳۸۵) معتقد است اگرچه مفاهیمی چون زبان و هویت درخور تأمل اند و نقش آنها را در سامان‌دهی فکر و فرهنگ جامعه نمی‌توان کتمان کرد، صرف‌توسل و توجه به سرنوشت تاریخی زبان و تأثیر آن بر هویت قومی و ملی، با اتکا به آثار تاریخی و فرهنگی گذشته، نمی‌تواند جواب‌گوی نیازهای پنهان و آشکار آینده باشد. این نظریه ضرورت پرداختن به این موضوع را کاهش نمی‌دهد؛ بلکه اساساً بر لزوم آن تأکید می‌کند و در عین حال، انتخاب مسیر بررسی را مهم می‌داند.

احساس هویت داشتن، مهم است و چالش اصلی برای یافتن هویت در دوران نوجوانی صورت می‌گیرد. اگر این احساس قوی تحقق نیابد، در نقش فرد تداخل ایجاد می‌شود و احساس بی‌هویتی، بی‌هدفی و رفتار ضداجتماعی در او پدید می‌آید. به سبب وجود حس قوی هویت‌یابی در انسان، شناسایی عوامل مؤثر بر هویت، از جمله زبان، ضروری است.

از نظر آلبرتو ملوچی، هویت همواره دربردارنده «تنش رفع‌شده و رفع‌نشده» است؛ یعنی بین تعریف‌هایی که ما از خود داریم و دیگران از ما دارند، نوعی شکاف وجود دارد (دان، ۱۳۸۵: ۹۰ و ۹۱)؛ بنابراین، هویت به گونه‌ای ضروری، بخشی جدانشدنی از نظام مناسبت‌های تفاوت است که در ارتباط با دیگری یا غیر شکل می‌گیرد و اگرچه زبان یگانه راه بروز آن نیست، در ظهور آن، نقشی مهم دارد.

در تقسیم‌بندی زبان براساس هویت، دو مؤلفه وجود دارد: یکی زبان ملی و دیگری زبان قومی. در ادامه مقاله، تعامل این دو گفتار با هویت ملی را بررسی می‌کنیم.

۳. زبان ملی و هویت ملی

امروزه، ترسیم افقی برای آینده زبان و تأثیر آن در تحکیم هویت ملی، در مقایسه با گذشته بسیار مهم‌تر است؛ زیرا بررسی دقیق و عالمانه تأثیر زبان بر هویت ملت‌ها در آینده، ضرورتی ملی است.

اگرچه نظریه‌هایی دال بر تأثیرپذیری زبان ملی از هویت ملی بیان شده است، بیشتر این نظریه‌ها بر نقش زبان ملی در پیوند ملت و تحکیم هویت ملی دلالت می‌کنند.

رضایی (رضایی و همکاران، ۱۳۸۶) معتقد است هویت ایرانی دارای اجزا و عناصری است که با آن شناخته می‌شود. برخی نمادهای ملی مانند پرچم، سرود ملی، زبان فارسی، اسطوره‌ها، عید نوروز و مانند آن، معرف کشور به نام ایران است. دیکشیت (Dikshit, 1995: 174) منشأ هویت ملی و روح ملی هر کشور را عوامل معنوی می‌داند. از نظر وی، روح ملی هر ملت، باعث پدید آمدن وحدت و انسجام در آن می‌شود.

برخی صاحب‌نظران، ایدئولوژی را عامل تشکیل هویت‌ها، به‌ویژه هویت ملی و زبانی دانسته‌اند و معتقدند که همه ایدئولوژی‌ها چون غیریت‌پردازند، هویت‌ساز نیز هستند. در سایه همین عقاید بوده است که خودفهمی‌ها و هویت‌های قومی، ملی، مذهبی و زبانی شدت یافته است. ایجاد هر هویتی در عین حال به معنی ایجاد مرز و حصار است. درنهایت، هویت همچون خانه‌ای در بسته تصور می‌شود که اغیار را در آن راهی نیست؛ بنابراین، هویتی که یک ملت را دربر می‌گیرد، هویت ملی نامیده می‌شود. هر ملت، یک زبان واحد دارد که به زبان ملی موسوم است. هویت ملی عالی‌ترین و برترین سطح هویت بشری است که در قرن بیستم و بعد از پدید آمدن نظام بین‌الملل (پس از جنگ دوم جهانی که کشورهای جهان وارد بلوک‌بندی خاصی شدند)، شکل گرفت. این قسم هویت، دارای ویژگی منحصر به فردی است که برخی آن را هویت محوری^۱ می‌خوانند. از نگاه اشرف (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۴۵)، هویت ملی مقوله‌ای کاملاً تاریخی و متعلق به عصر جدید است؛ احمدی بر این عقیده است که «هویت ملی، نوعی احساس تعلق فرد به یک سرزمین و دولت-ملت^۲ یا کشوری خاص می‌باشد و فاقد تنوع و گونه‌های خاص است و افراد فقط یک هویت ملی دارند» (احمدی، ۱۳۸۲: ۹)؛ شیخاوندی هویت ملی را آخرین مرحله کسب هویت می‌داند و معتقد است فرد طی فرایند جامعه‌پذیری و از طریق خانواده، مدرسه و رسانه‌ها به این نوع هویت دست می‌یابد.

1. Core identity

2. Nation-State

هویت ملی و زبان ملی بر یکدیگر اثر می‌گذارند. از یک سو، هویت ملی بیشتر براساس زبان ملی شکل می‌گیرد و از سوی دیگر، زبان ملی متأثر از هویت ملی است. رویکرد نوین زبان‌شناسان، حاکی از آن است که نظام شناختی و ادراکی انسان، از ساختار زبانی جدا نیست؛ به دیگر سخن، زبان نه تنها در بیان واقعیت‌ها و شناخت پیرامون، خنثی نیست، بلکه در ساخت واقعیت‌ها تأثیرگذار است و مفاهیم و تعامل انسانی از جهان را بازگو می‌کند. بنجامین لی ورف (۱۸۹۷-۱۹۴۱) اولین کسی بود که ارتباط میان زبان و شناخت را به‌طور جدی و تجربی بررسی کرد. وینگشتاین (۱۹۵۱-۱۹۸۸) نیز به ارتباط میان زبان و بیان واقعیت معتقد بود.

هویت ملی امری صرفاً طبیعی نیست؛ بلکه چارچوبی مصنوع است که از طریق تاریخ و به‌واسطه روایت، تداوم می‌یابد؛ سپس به‌صورت خاطره جمعی درمی‌آید و بعد از آن تثبیت می‌شود. معینی علمداری (معینی علمداری، ۱۳۸۳) معتقد است سنت‌ها، تاریخ، زبان، مذهب، نهادهای سیاسی و اقتصادی، عوامل محیطی و جغرافیایی، و به‌ویژه اسطوره‌ها به هویت ملی معنا می‌بخشند. دیلم صالحی (دیلم صالحی، ۱۳۸۵: ۷) نیز در تأیید این نظریه می‌گوید که عوامل گوناگون نمادین، ارزشی، سرزمینی، اسطوره‌ای و زبان در ایجاد هویت ملی نقش دارد.

فرایند هویت‌یابی و بی‌هویتی مشمول زمان است؛ مقابله با معضل احساس بی‌هویتی به‌ویژه درباره مهاجران، نیازمند زمان است و اگرچه توجه به این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است، پرداختن به آن، مجال دیگری می‌طلبد. ترغیب مردم به پذیرش هویت برتر، براساس نیاز آنها به زبان ملی صورت می‌گیرد. مسکوب (مسکوب، ۱۳۷۳: ۴۴) بر نقش عمده زبان در هویت ملی، تأکید می‌کند و می‌گوید: «*یرانیت، هویت و حس ملی ایرانی، بر دو شالوده و دو ستون عمده استوار است: زبان و تاریخ*؛ البته وی در همان منبع، از تشکیل دولت‌های ملی در ایران قرن چهارم هجری به‌واسطه عرب نبودن حکومت‌های وقت نیز سخن می‌گوید. اگرچه زبان در تشکیل دولت‌های ملی نقش مهمی دارد، نقش زبان فارسی در دربار حاکمان وقت، آن‌قدر نبود که بتواند دولت ملی تشکیل دهد. تشکیل دولت ملی را به‌زحمت می‌توان به دوره صفویه نسبت داد.

زبان به‌مثابه عامل پیونددهنده ملت عمل می‌کند و عامل اصلی ارتباط و جریان سیال فرهنگی است. هویت ملی با زبان ملی پیوندی ناگسستنی دارد. رحمان (2: Rahman, 2007)،

جامعه‌شناس پاکستانی، خاطرنشان می‌کند که در این کشور، دیدگاه رسمی آن است که پاکستان ملتی با فرقه‌های اسلامی متعدد دارد که به‌وسیلهٔ دین و زبان ملی اردو با یکدیگر پیوند خورده‌اند. زبان ملی کمک می‌کند آنان موجودی متحد و واحد تصور شوند. در هند، جعفرخان پیش‌تاز روند زبانی به نام جریان پشتو شد که نماد هویت پختون به‌شمار می‌آید (Rahman, 2007: 4). تایید این نظریه در کلام هابس باون (Hobsbawn, 1996: 18) مشهود است:

کشورهای مستعمره که بعد از جنگ دوم جهانی استقلال یافتند، به‌طور خودجوش در اندیشهٔ یک زبان ملی منبعث از درون ملت بودند تا به‌عنوان اساس آموزش و فرهنگ ملی عمل کنند؛ اردو در پاکستان، هندی در هند، سین‌هالا در سری‌لانکا، عربی در الجزایر..

اساساً نظام یک زبان برای هر کشور، آن است که به یک دولت-ملت تبدیل شود. اگرچه اقلیت‌هایی که بر کسب برخی حقوق و تمهیدات اصرار می‌کنند، باید مورد توجه واقع شوند، حفظ هویت ملی لزوماً به وحدت فرهنگی و زبانی نیاز دارد و صاحب‌نظران تکثرگرایی را در این حوزه مردود می‌شمارند. رزازی‌فر (رزازی‌فر، ۱۳۸۶: ۱) معتقد است در جمهوری اسلامی، که مبتنی بر آیین توحیدی است، برای ارتقای همبستگی‌های ملی و قوی‌تر شدن احساس هویت ملی باید با تقویت ارزش‌های ملی و پیوند زدن آن با ارزش‌های دینی، این دو وجه عمدهٔ هویت ملی را تقویت کرد. از نظر او، میزان وابستگی عاطفی و ابراز احساسات به ارزش‌های چهارگانه یا خرده‌فرهنگ‌های دینی، ملی، جامعه‌ای و انسانی، بیش از میزان تعهد و مشارکت برای تحکیم این ارزش‌ها در عمل است و لازمهٔ ارتقای میزان تعهد اجتماعی، گسترش مشارکت‌های ملی است. منصوریان سرخگریه در نقد کتاب گفتارهایی دربارهٔ زبان و هویت، یادآوری می‌کند که زبان ملی بزرگ‌ترین سرمایهٔ فرهنگی و مهم‌ترین عامل حفظ، استمرار و استقلال فرهنگ‌ها، و پاسداری از هویت است.

در اینجا، برخی نظریه‌ها و مصداق‌های بیانگر نقش زبان ملی در ایجاد هویت ملی را بررسی می‌کنیم.

تسلط به زبان ملی به‌مثابهٔ معیار شهروندی، چند صباحی است که به ابزار سیاسی برخی دولت‌ها تبدیل شده است. هابس باون می‌گوید که در انگلستان، برای اینکه مهاجران شهروند شوند، نخست

باید آزمون انگلیسی بدهند. چنین سیاستی را دولت ژاک شیراک در فرانسه برای رد هویت شهروندی برخی مسلمانان به کار گرفت و در انتقاد از تندروها، وزیر کشور وقت اعلام کرد: «فقط حدود ده درصد از ائمه جماعات مساجد فرانسه، شهروند این کشورند؛ نیمی از آنها فرانسه هم بلد نیستند» (قمری ۱۳۸۵: ۹۸)؛ گویی اگر آنها شهروند آن کشور باشند یا زبان فرانسوی بلد باشند، کمتر تندرو خواهند بود و سخن نگفتن به زبان ملی، به معنی رد هویت شهروندی یا ملی است.

هابس باون (Hobsbawn, 1996: 4) این نظریه را، که هویت ملی و زبان ملی متأثر از یکدیگرند، تأیید می‌کند و معتقد است زبان‌های ملی، در نتیجه افزایش سطح سواد و مشارکت سیاسی گسترده پدیدار شدند؛ زیرا مردم نیاز داشتند در فضایی مردم‌سالار^۱ به صورت کامل‌تری با یکدیگر مراوده کنند.

تحقق تمامیت هویت ملی صرفاً به زبان محدود نمی‌شود و عناصر فرهنگی دیگری همچون جغرافیا و مذهب نیز در آن نقش دارند. چنین برداشتی در کلام معینی علمداری (معینی علمداری، ۱۳۸۳) مشهود است: نمی‌توان انکار کرد که در میان مؤلفه‌های هویت ملی، قلمرو جغرافیایی نمود بیشتری دارد و هایدگر سرزمین را عامل بنیادی هویت ملی می‌داند؛ از این رو، هویت ملی دارای عناصر سازنده‌ای از جمله ارزش‌های ملی، دینی، اجتماعی و انسانی است. هر کدام از این ارزش‌های ملی، تمام مشترکات فرهنگی اعم از سرزمین، زبان، نمادهای ملی، سنت‌ها و ادبیات را دربر می‌گیرد (کارکنان نصرآبادی، ۱۳۸۴). درباره شناخت نقش زبان ملی در هویت ملی، همین بس که مشکل می‌توان تصور کرد که شخصی ادعای ایرانی بودن داشته باشد و زبان فارسی نداند.

بنابراین، دو مؤلفه سرزمین و مذهب در کنار زبان، نقشی عمده در فرایند هویت‌سازی ایفا می‌کنند. اگرچه پرداختن به مسئله سرزمین و مذهب، فراتر از حیطه این مقاله است، در ادامه، مطالبی را درباره تأثیر ادب دینی بر هویت ملی ایرانی شیعه، به‌ویژه در عصر صفویه بیان خواهیم کرد. کوتاه سخن اینکه بیشتر اندیشمندان اتفاق نظر دارند که زبان یکی از مؤلفه‌های مهم هویت ملی است.

۴. زبان قومی و هویت ملی

در طول تاریخ، اقوام مختلف با زبان‌های متفاوت در کنار هم در قالب یک ملت، زندگی مسالمت‌آمیزی داشته‌اند. با گذشت زمان، تعلق هر زبان به قومی خاص، نمود بیشتری یافت و به مرور، مبنای شناسایی و هویت آن قوم شد. نامیدن ملت‌های مختلف با نام زبان آنها در این راستا صورت می‌گیرد. فرد می‌تواند در یک زمان، دارای هویت اجتماعی براساس طبقه، نژاد، محل زندگی، مذهب، زبان، رشته تحصیلی، گروه ایلی و طایفه‌ای و قومی، و... باشد و از طریق همین لایه‌های هویتی، خود را به دیگران معرفی کند (کارکنان نصر آبادی، ۱۳۸۴). دولت‌ها برای ایجاد یکپارچگی ملی با تأکید بر اندیشه سیاسی باید بتوانند به‌مثابه یک نهاد برتر، بیشترین میزان وفاداری قومیت‌ها را در پهنه سرزمینی برقرار و تثبیت کنند (احمدی‌پور، ۱۳۸۶: ۴۰). تمامی دولت‌ها به‌علت‌های گوناگون، در زمینه‌های پراکنگی جمعیت، هویت فرهنگی، فرهنگ سیاسی و... واگرایی را- به‌ویژه هنگامی که با تعدد قومیت‌ها روبه‌رو باشند- تجربه کرده‌اند. چنانچه در یک دولت، تعدد قومیت‌ها با مشکلات و موانع طبیعی دوری از مرکز، همراه شود و احتمالاً به تقویت روحیه دلبستگی‌های محلی- ناحیه‌ای منجر گردد، پیوسته به‌منزله یک عامل گریز از مرکز می‌تواند تمامیت ارضی کشور را در معرض خطر قرار دهد.

سرویس‌های جاسوسی دولت‌های استیلاطلب، به‌ویژه غرب که در کشورهای انقلابی، مسئولیت براندازی برخی دولت‌های مردمی را برعهده دارند، می‌کوشند با محور قرار دادن زبان، قومیت‌گرایی را تقویت کنند و به تجزیه این کشورها کمک کنند.

ارتباط قومیت‌ها و زبان ملی، از نوع ضد و نقیض است. اقلیت‌ها از یک سو به دنبال تقویت زبان قومی و در نتیجه هویت قومی خود هستند و در مقابل هر تلاشی که به محدود کردن و احتمالاً سرکوب زبان قومی‌شان در برابر زبان ملی بینجامد، مقاومت می‌کنند؛ از سوی دیگر، نیازمند زبان ملی به‌منزله ابزار فهم سخن حکومت و یافتن هویتی وسیع‌ترند که تعلق آنها را نه به یک قوم یا قبیله، بلکه به یک ملت نشان می‌دهد. در کشورهای دارای اقوام و زبان‌های مختلف، دولت‌ها نیز درگیر چنین تناقضی هستند و متمایل شدن هر کدام به یکی از دو قطب زبان قومی یا ملی، دور شدن از قطب دیگر را رقم می‌زند. درباره تعیین حد و مرز نزدیکی اقوام و دولت به زبان‌های قومی

و ملی و یا دوری آنها از این دو گونه زبان، نظرهایی داده شده است؛ اما اشتراک آرا در این زمینه وجود ندارد. امروزه، این مسئله به میزان زیادی، مورد توجه دولت‌ها واقع شده است و باید آن را به سوی فرصتی هدایت کرد؛ زیرا در غیر این صورت، امنیت ملی در معرض تهدید قرار خواهد گرفت.

قبل از دهه ۱۹۸۰، در نظام آموزشی، به تناسب فرهنگی اقلیت‌های مختلف چندان توجهی نمی‌شد و نیز از نظر نسلون (Nelson, 2005)، برای گنجاندن تاریخ یا دیدگاه‌های آنان تلاشی صورت نمی‌گرفت. نلسون معتقد است حکومت‌ها برای دوام قدرت و جلوگیری از شورش اقلیت‌ها، خط مشی ظریفی دارند: تعادل. آنها از طرفی به نوعی برنامه‌ریزی و سیاست زبانی احتیاج دارند که بر همکاری اقلیت‌ها به منظور تشکیل ملتی واحد متمرکز است؛ از طرف دیگر، اگر این سیاست‌ها بیش از حد محدودکننده باشد، می‌تواند به حذف و نارضایتی گروه‌های اقلیت منجر شود و بحران‌های اجتماعی ایجاد کند. در چین، دولت برای ترغیب اقلیت‌ها به سوی این تصور که آنها به ملت بزرگ چین تعلق دارند، سیاست فراگیری زبان چینی ماندارین را دنبال می‌کند و بدین ترتیب، اقلیت‌ها را به سمت توجه به هویت ملی سوق می‌دهد.

معمولاً وقتی از هویت قومی سخن گفته می‌شود، ذهن افراد به سوی اقلیت‌های قومی محیط زندگی خودشان متوجه می‌شود؛ در حالی که از ابتدای تاریخ بشر تا کنون، هر فرد عضو یک قوم بوده و هست. در یک کشور معین نیز معمولاً بیشتر افراد عضو قوم اکثریت و گروه‌های کوچک‌تری جزء اقلیت به حساب می‌آیند؛ مثلاً در آلمان، بیشتر افراد از قوم ژرمن هستند و گروه‌های قومی اقلیت (نظیر ترک‌ها، ایرانی‌ها و...) از گروه‌های اقلیت‌اند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۰: ۱۰۴).

در ایران، اکثریت فارس هستند و اقوام ترک، ترکمن، بلوچ، عرب، افغانی و... اقلیت‌اند. در یک کشور، وضعیت گروه‌های اکثریت و اقلیت، بیشتر ترکیبی از نژاد، فرهنگ، زبان، مذهب و شیوه زندگی است و به دشواری می‌توان تنها یکی از جنبه‌ها را مبنای تشخیص قرار داد.

در هر جامعه‌ای، وجود زبان‌های اختصاصی یا ویژه مشهود است. این گونه زبان‌ها درون زبان اصلی و به کمک آن شکل می‌گیرند. بررسی‌های زبان‌شناسان نشان می‌دهد که در طول تاریخ،

زبان‌های اختصاصی همواره وجود داشته‌اند. زبان ویژه یک گروه یا قشر، از یک سو ارتباطات را در زمینه‌های مشترک و مورد علاقه، آسان می‌کند و از سوی دیگر، احساس انسجام گروهی را تقویت می‌کند (Krech and others, 1983: 292-303).

توجه به زبان قومی باید در راستای توجه به زبان ملی باشد که هدف از آن، ایجاد هویتی برتر برای اقوام مختلف درون یک سرزمین است؛ بنابراین، جریان‌های خاص متمرکز بر زبان قومی و آرای اندیشمندان، هویت برآمده از زبان قومی را تأیید می‌کنند و بر این اساس استوارند که زبان قومیت‌ها حامل هویت است.

۵. مصداق‌های تأثیرپذیری هویت از زبان

مصداق‌های مؤید تأثیر زبان بر هویت را می‌توان با استفاده از ایدئولوژی‌های زبانی و تبلیغات اعمال نمود. تبلیغات از طریق برخی وسایل ارتباطی از جمله رسانه‌ها، مطبوعات و اینترنت محقق می‌شود.

۵.۱. ایدئولوژی‌های زبانی

ایدئولوژی‌های زبانی به معنای باورهای مردم درباره زبان‌هاست. این حوزه را نمی‌توان به روشنی از ایدئولوژی سیاسی دولت، تفکیک کرد. بر پایه این قسم ایدئولوژی، زبان‌ها با ملت‌ها برابرند و نشانه‌های اصلی هویت ملی به‌شمار می‌روند. دانش زبان‌های خاص، نشانه تعلق به گروه‌های خاص است و بر جایگاه زبانی خاص در یک جامعه دلالت می‌کند. ایدئولوژی زبانی به این مسئله می‌پردازد که زبان چگونه باید به کار رود و زبان‌ها چگونه باید فراگرفته و یا آموزش داده شوند (Shohamy, 2006).

معروف‌ترین ایدئولوژی‌های زبان را می‌توان با تأمل در مردمی که به آن زبان سخن می‌گویند، شناخت. این ایدئولوژی‌ها ابراز می‌دارند که کجا زبان‌ها نشانه‌های گروه‌ها هستند؛ به طوری که دانستن زبان‌های مشخص، نشان‌دهنده وفاداری، وطن‌خواهی و خودی بودن است؛ درحالی که دانش زبان‌های دیگر، ارزش‌های متفاوتی دارد. ایدئولوژی‌های زبانی می‌توانند به ابزار ایدئولوژی

دینی و سیاسی تبدیل شوند و کانون جنگ‌های سیاسی قرار گیرند؛ مثلاً در سال ۱۳۵۹ش ادعای موهوم تعلق داشتن استان خوزستان به عراق از سوی رئیس جمهور وقت این کشور، بر این اساس پیش برده شد؛ زبان عبری نیز نماد ایدئولوژی صهیونیستی برای جامعه جدید یهود شد که در فلسطین ایجاد شد و اسرائیل خوانده شد. تمام مهاجران به استفاده از این زبان مجبور شدند (Shohamy, 2006).

۵. ۲. تبلیغات

استفاده از ابزارهای تبلیغات از جمله رسانه‌ها و مطبوعات، راهبردی دیگر برای استفاده از زبان است و بیشتر در جنگ‌ها نمود دارد. مجله نیویورک تایمز^۱ (مه ۲۰۰۴) در مقاله‌ای درباره گروه‌های اسلام‌گرای تندرو در فرانسه، ناتوانی این گروه‌ها را در سخن گفتن به زبان فرانسوی، سرزنش می‌کند و سخن گفتن به زبان فرانسوی را در آن کشور، معیار هویت فرانسوی می‌داند. نمونه دیگر، استفاده از تبلیغات زبانی بعد از حادثه یازدهم سپتامبر در رسانه‌هاست. در مجله هرالد-تریبون اینترنتی^۲ (مارس ۲۰۰۴)، زبان عربی، زبان ترور معرفی شده است: «هیچ چیز مشترکی در میان تمام سازمان‌های تروریستی وجود ندارد؛ جز اینکه همه آنها عربی صحبت می‌کنند».

زبان ابزار رسانه‌هاست و به وسیله آن، گروه‌هایی تقویت و یا تحقیر می‌شوند؛ اما پرایس (Price, 2003) خاطر نشان می‌کند که زبان به خودی خود می‌تواند هدف باشد؛ رسانه‌ها می‌توانند زبان را به هدفی تبدیل کنند؛ آن را تبلیغ کنند یا به آن حمله کنند. یکی از مؤلفه‌های هویت هر ملت، مطبوعات و آثار چاپی آن است که از طریق زبان نوشتاری به ظهور می‌رسد. اساساً تهاجم زبان و فرهنگ تا زمانی ادامه دارد که جامعه استعمارشده، درحوزه زبان و فرهنگ، تولیدکننده نباشد.

امروز، زبان به عامل هویت‌ساز مهم‌تری تبدیل شده و اینترنت، نقش زبان را پررنگ‌تر کرده است؛ درحالی که نقش دیگر عوامل هویت‌ساز از جمله قومیت، نژاد و جنسیت، کم‌رنگ شده

1. New York Times

2. Herald Tribune International

است. در بیشتر ارتباط‌های اینترنتی، مخاطب نمی‌تواند بین سیاه‌پوست و سفیدپوست، زن یا مرد، غنی یا فقیر، مسلمان یا غیرمسلمان، و ایرانی یا خارجی بودن شما تمایزی قائل شود؛ اما می‌تواند به سرعت تشخیص دهد که چه زبان و لهجه‌ای را استفاده می‌کنید.

ژو (Zhou, 2000) معتقد است در جامعه‌ای که دارای نظام الفبایی نوشتاری همگون است، هویت گروهی قوی‌تری در مقایسه با جامعه فاقد نظام الفبایی نوشتاری ایجاد می‌شود؛ به عبارت دیگر، در جامعه‌ای که از زبان صرفاً به صورت شفاهی استفاده می‌شود، هویت گروهی ضعیف‌تری پدید می‌آید.

اهمیت زبان در شناخت فرهنگ به اندازه‌ای است که گفته‌اند زبان یک ملت، کلیدی است که با استفاده از آن می‌توان فرهنگ آن ملت را شناخت (محسنی، ۱۳۷۰: ۱۱۷) و شناخت فرهنگ، راهی است به سوی هویت‌یابی ملی.

فرهنگ از طریق زبان و دیگر نمادها منتقل می‌شود. هنگامی که زبان علاوه بر حالت گفتاری، صورت نوشتاری نیز می‌یابد، امکانات تازه‌ای برای انباشته شدن فرهنگ پدید می‌آید و رشد فرهنگی سریع‌تر می‌شود.

تلاش پایگاه‌های تولیدات علمی برای ارتقای روند جهانی‌سازی، در همین راستا صورت گرفته است. پایگاه جهانی تولیدات علمی ISI یا همان شرکت تامسون کوشیده است مجله‌های همه کشورهای دنیا را پوشش دهد؛ اما عامل زبان را برای رسیدن به این منظور، بازدارنده می‌داند؛ از طرف دیگر، برای پیوند ISI و ISC (پایگاه استنادی علوم ایران و جهان اسلام)، مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری، مقاله‌های کشورهای اسلامی را، که به زبان‌های ملی نوشته شده‌اند، مطابق معیارهای ISI پردازش می‌کند و امکان برقراری این پیوند را فراهم می‌آورد. این تلاش اگرچه ممکن است به ارتقای سطح مقاله‌های علمی کشورهای اسلامی بیانجامد، در برابر جنبش جهانی‌سازی و بهره‌گیری از زبان جهانی و مشترک، عاملی بازدارنده است.

رسانه‌های اطلاعاتی و خبری، نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. رسانه‌ها، توده‌ها را بسیج می‌کنند تا اندیشه‌های جدید و فنون را بپذیرند. امروزه، روابط عمومی‌ها و رسانه‌ها و از جمله مطبوعات، لازم و ملزوم یکدیگرند. به بیان دیگر می‌توان گفت هدف روابط عمومی‌ها برقراری پیوندهای

متقابل در نظام‌های سیاسی است. ارتباطات مایه اصلی زندگی سیاسی است و بدون بهره‌گیری از وسایل ارتباطی و رسانه‌های جمعی، که همه بر محور زبان استوارند، نظام‌های سیاسی قادر به نظم بخشیدن به جامعه و مشارکت مردم نخواهند بود (خشنودی مطلق، ۱۳۸۳: ۱۶۰). بدون داشتن ارتباط سیاسی، نمی‌توان هدف‌های نظام سیاسی، وحدت، هویت ملی و همبستگی ملی را حفظ کرد و مشارکت افراد را در جامعه فراهم آورد.

۶. تأثیر ادب دینی بر هویت ملی

یکی از عناصر تشکیل‌دهنده هویت، دین است. بعد از قرون وسطی، در کشورهای اروپای غربی زبان‌های ملی به حوزه دین راه یافتند و در آن دخالت کردند. در قرن شانزدهم، در جریان اصلاح دین و مخالفت با دربار پاپ و آیین کاتولیک، نخستین بار زبان آلمانی، زبان کلیسا شد و لوتر کتاب مقدس را به این زبان ترجمه کرد. این اتفاق به زبان آلمانی، هویت دینی بخشید؛ همان‌گونه که نزول قرآن به زبان عربی و برای مسلمانان، به این زبان هویت دینی‌ای - البته به مراتب بیشتر از زبان آلمانی - داد؛ بعد به نظر مسکوب (خشنودی مطلق، ۱۳۸۳: ۱۶۰)، اتفاقی که درباره آلمانی افتاد، در انگلستان نیز رخ داد و کم‌کم کتابی که فقط به زبان لاتین (زبان دین) بود، به همه زبان‌ها ترجمه شد.

در میان ایرانیان، ارتباط هویت دینی با زبان فارسی، ریشه‌دار است (مسکوب، ۱۳۷۳). در اولین قرن‌های پیدایش و گسترش نثر فارسی، نویسندگان و اندیشمندان اسماعیلیه پیش از فرقه‌ها و مذهب‌های دیگر، نوشتن به زبان فارسی را در مسائل دینی شروع کردند. گذشته از آثار معروف ناصر خسرو مثل *جامع‌الحکمتین*، *زاد‌المسافرین*، *وجه دین* و...، *کشف‌المحجوب* سجستانی، و شرح *قصیده ابوالهثیم* اثر محمد بن سرخ نیشابوری نمونه‌هایی از این کتاب‌ها هستند. اسماعیلیه ایران، در جایگاه دشمن، با خلافت بغداد و حکومت‌های محلی ایرانی (سنی و همدست خلافت) و مذهب‌های چهارگانه اهل سنت و علمایشان سروکار داشتند. در مبارزه با این دشمنان نیرومند، تکیه‌گاه اسماعیلیه، بیشتر مردم محلی (مردم ایران) بودند. این مردم اگر هم در جایی به فارسی حرف نمی‌زدند، زبان رسمی همه‌شان فارسی بود. آنها می‌بایست همه نیروی خود را از این مردم

می‌گرفتند؛ بنابراین، پس از دوره‌ای کوتاه به زبان آنها روی آوردند و در میان همهٔ مذهب‌های اسلامی شایع در ایران، تنها گروهی بودند که بیشتر به فارسی می‌نوشتند تا عربی؛ و در دو حوزهٔ دین و سیاست، که از نظر آنها جداشدنی نبود، توجه‌شان بیشتر به زبان بومی بود تا زبان دین. در آن دوره، اسماعیلیه هم از نظر فرهنگی و هم از نظر سیاسی، نقشی تقریباً ملی داشتند. در این زمینه، تا آنجا که به تکامل و گسترش نثر فارسی مربوط است، این نهضت سیاسی-مذهبی سهمی درخور توجه داشت (مسکوب، ۱۳۷۳).

در دورهٔ صفویان نیز عوامل پیونددهندهٔ ملت ایران، به‌دست شاه اسماعیل و در عمق اندیشهٔ ایرانی، در پیوند با عامل تشیع شکل گرفت. در آن دوره، تشیع مهم‌ترین مشخصهٔ فرد ایرانی و فلسفهٔ وجودی دولت ایران به‌شمار می‌رفت؛ بنابراین، به‌مثابهٔ اندیشهٔ سیاسی دولت ایران، در پیوند با جوهرهٔ سرزمین و ملت ایران، هویتی جغرافیایی-سیاسی یافت. حافظ‌نیا و قلی‌زاده (حافظ‌نیا و قلی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۳) می‌گویند: «تشیع در واقع تاروپود اصلی شکل‌گیری هویت ایرانی و بقای آن است»؛ البته نمی‌توان از نظریه‌های برخی صاحب‌نظران سیاسی و تاریخی همچون لک (لک، ۱۳۸۴) دربارهٔ این موضوع چشم پوشید. وی معتقد است در جامعهٔ ایرانی، مسئلهٔ هویت ملی را برخی تجددخواهان و روشنفکران، از اواخر قرن نوزدهم میلادی و اوایل جنبش مشروطیت، همراه با ملیت مطرح کردند و به زبان فلرسی راه دادند.

توجه برخی فرقه‌های دینی به ربان فارسی تا آنجا پیش رفت که برخی مورخان و نویسندگان، فرقه‌های باطنیه را، اعم از اسماعیلیه، قرامطه و...، به خروج از دین، و تظاهر به اسلام برای نابود کردن آن و تجدید رسوم مجوس متهم کردند (مسکوب، ۱۳۷۳: ۱۲۹). اگر این دعوی درست باشد، ظهور اسماعیلیه در ایران با منظور و مقصود ملی همراه بوده است؛ به‌ویژه آن‌گاه که مشخص می‌شود آثار دانشمندان این گروه به زبان فارسی است.

تا آغاز دورهٔ صفویه، بسیاری از ایرانیان بنا به انگیزهٔ ملی، به دربار خلافت بنی‌امیه و بنی‌عباس چندان گرایش نداشتند و به رقیبان آنها مایل بودند. این توجه از طرف ایرانیان شیعه‌مذهب که خلافت را حق خاندان نبوت می‌دانستند، طبیعتاً عمیق‌تر بود. عالمان دین هم از این علاقه آگاه بودند و از دوران صفویه به بعد، فارسی‌نویسی در میان آنان عمومیت یافت. تعدادی از رساله‌های

عالمان این عصر و از جمله رسالات عملیه مراجع، به فارسی است. *قصص العلماء*^۱ و *معراج السعاده*، تألیف ملا احمد نراقی، از نمونه‌های نثر مذهبی این دوره‌اند.

در دستگاه گسترده دولتی - مذهبی صفوی، عالمان و اهل دین که در نقش‌های ملی، دولتی و اداری داخل می‌شدند، صاحب زبان ملی، دولتی و اداری - که زبان فارسی بود - هم می‌شدند. در آن زمان، مذهب آنان به صورت ملی درآمد و آنها مسائل مذهبی را به زبان ساده فارسی می‌نوشتند. در این وضعیت، تبلیغ بیشتر مذهب، برابر با گسترش بیشتر زبان فارسی بود و این زبان در مسیر بارور کردن درخت سر بلند کرده هویت ملی ایرانی قرار گرفت.

۷. نتیجه گیری

بیشتر صاحب نظران بر تأثیرپذیری هویت از زبان‌های قومی و ملی تأکید می‌کنند. داشتن زبان ملی، برای برقرار کردن رابطه بین مجموعه سیاسی حاکم و آحاد ملت، لازم است. امروزه، نقش و جایگاه زبان در مراوده‌های منطقه‌ای و جهانی، اهمیت فزاینده‌ای یافته است؛ در حالی که دیگر مؤلفه‌های هویت‌ساز همچون قومیت، نژاد و جنسیت، کم‌رنگ‌تر شده‌اند. اگر بپذیریم که در زمان آینده، زبان محمل و مرکب فرهنگ بشری خواهد بود، با دقت در دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی، باید در اندیشه تولید فرهنگی و ایجاد تحول بنیادین در حوزه زبانی برای آینده باشیم تا گرفتار انفعال نشویم.

چگونگی تعامل دولت‌ها با زبان قومی و ملی، خود یک تناقض است. از یک سو توصیه می‌شود که دولت‌ها رویه تقویت زبان قومی را برگزینند و هویت قومیت‌ها را ارتقا دهند؛ از سوی دیگر، تقویت زبان قومی با وظیفه اصلی دولت‌ها در معرفی زبان ملی و حمایت از آن، در تعارض است؛ بنابراین نمی‌توان مسئله را رد یا تأیید کرد؛ بلکه شاخص توجه کمتر یا بیشتر قابل طرح است؛ از این رو، حفظ حرمت زبان قومیت‌ها از یک سو و تقویت زبان ملی به مثابه نماد اتصال و ریسمان محکمی که اقوام مختلف یک سرزمین برای حفظ هویت ملی خود باید به آن چنگ

۱. چاپ دوم، ۱۳۰۴ که نویسنده آن، محمدبن سلیمان التکنانی از فقهای اصولی قرن‌های ۱۳ و ۱۴ هجری است.

بزنند، از سوی دیگر می‌تواند پاسخی باشد که برای رهایی یافتن دولت‌ها از این چالش و به‌منظور ارتقای هویت برخاسته از زبان قومی و ملی فراهم آمده است.

زبان قومیت‌ها و زبان ملی، حامل هویت‌اند و پاسداری از هویت ملی لزوماً به وحدت فرهنگی و زبانی نیاز دارد. برای ما ایرانیان نیز تقویت زبان فارسی، تقویت هویت دینی و کمک به ارتقای فرهنگی است که در هزاران سال حرکت‌های اجتماعی؛ جنبش‌های سیاسی و تولیدات فرهنگی، ادبی و دینی ریشه دارد. زبان فارسی ریسمان محکمی است و تقویت آن، کمک به اعتلای هویت ملی و چنگ زدن به ریسمان اتحاد و انسجام ملی است.

منابع

- احمدی، حمید. (۱۳۸۲). *ایران: هویت، ملیت، قومیت*. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- احمدی پور، زهرا. (۱۳۸۶). *فرایند ملت‌سازی با توجه به پراکنش فضایی قومیت‌ها در ایران: خلاصه مقالات همایش نقش و جایگاه دولت در توسعه فرهنگی*. تهران: معاونت فرهنگی، آموزشی و پژوهشی سازمان برنامه و بودجه. پژوهشکده علوم انسانی، اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- اشرف، احمد. (۱۳۸۳). «بحران هویت ملی و قومی در ایران». *ایران: هویت، ملیت، قومیت*. (مجموعه مقالات). به کوشش حمید حمیدی. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و علی‌ولی قلی‌زاده. (۱۳۸۶). «دولت صفوی و هویت ایرانی». *فصلنامه مطالعات ملی*. س ۸ ش ۴. صص ۳-۲۹.
- خشنودی مطلق، مینا. (۱۳۸۳). «تأثیر روابط عمومی در ایجاد تفاهم و گفتگو». *مجله پژوهش و اندیشه*. س ۱ ش ۲. صص ۱۵۷-۱۶۲.
- دان، رابرت جی. (۱۳۸۵). *نقد اجتماعی پست مدرنیته: بحران هویت*. ترجمه صالح نجفی. تهران: نشر شیرازه.
- دیلم صالحی، بهروز. (۱۳۸۵). «اسطوره و حماسه، دو بنای هویت ایرانی». *فصلنامه مطالعات ملی*. س ۷ ش ۳. صص ۳-۲۵.

رجایی، فرهنگ. (۱۳۷۳). *معرکه جهان بینی‌ها در خردورزی سیاسی و هویت ما ایرانیان*. تهران: احیاء کتاب.

رزازی‌فر، افسر. (۱۳۸۶). *مدل هویت ملی در ایران*. خلاصه مقالات همایش نقش و جایگاه دولت در توسعه فرهنگی / تهران: معاونت فرهنگی، آموزشی و پژوهشی سازمان برنامه و بودجه. پژوهشکده علوم انسانی، اجتماعی جهاد دانشگاهی.

رضایی، احمد و همکاران. (۱۳۸۶). «گرایش به هویت ملی و قومی در ترکمن‌های ایران». *فصلنامه مطالعات ملی*. س ۸ ش ۴. صص ۱۱۹-۱۳۹.

شریعتی، علی. (۱۳۵۸). *بازگشت به خویشتن*. تهران: [بی‌نا].

شیخاوندی، داور. (۱۳۷۹). *تکوین و تنفیذ هویت ایرانی*. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

قمری، محمدرضا. (۱۳۸۵). «نقش زبان در تأمین امنیت ملی». *فصلنامه دانش انتظامی*.

کارکنان نصرآبادی، محمد. (۱۳۸۴). «جنگ و هویت: با رویکردی جامعه‌شناختی به جنگ ایران و عراق». *فصلنامه مطالعات ملی*. ش ۲.

لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۰). *عواطف و هویت نوجوانان و جوانان*. تهران: سازمان ملی جوانان، انتشارات نسل سوم.

لک، منوچهر. (۱۳۸۴). «هویت ملی در شعر دفاع مقدس». *فصلنامه مطالعات ملی*. س ۶ ش ۲. صص ۱۱۱-۱۳۲.

محسنی، منوچهر (۱۳۷۰). *مقدمات جامعه‌شناسی*. تهران: انتشارات مؤلف.

مسکوب، شاهرخ. (۱۳۷۳). *هویت ایرانی و زبان فارسی*. تهران: باغ آینه.

معینی علمداری، جهانگیر. (۱۳۸۳). *هویت، تاریخ و روایت در ایران: هویت، ملیت، قومیت*.

مجموعه مقالات به کوشش حمید احمدی. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

منصوریان سرخگریه، حسین (۱۳۸۵). «گفتارهایی درباره زبان و هویت». *فصلنامه مطالعات ملی*. س

۷. ش ۳. صص ۱۵۹-۱۶۶.

- Buzan, Barry (2004). "Security Studies: Beyond Strategy". <www. Yorku. Dald>
- Castells, Manuel (1997). *The Power of Identity*. Malden, MA: Blackwell.
- Dikshit, Ramesh Dutta (1995). *Political Geography: The Discipline and Its Dimentio.*, New Delhi: Tata. Mc Graw-Hill Publishing Company Limited.
- Mutimer / Security Studies. Htm Studies. Htm.
- Gubbins, P. and M. Holt (2002). *Beyond Boundaries: Language and Identity in Contemporary Europe*. Clevedon: Multilingual Matters.
- Herald Tribune International (2004) March.
- Hobsbawn, Eric (1996). *Language, Culture and National Identity: Multiculturalism Based on Language*. Social Research. 12/22/1996.
- Krech, D. et al.(1983). *Individual in Society*. New York: Mc Graw-Hill.
- Nelson, Keely (2005). "Language Policies and Minority Resistance in China".
International Educational Development. pp.25-30.
- New York Times (2004). May.
- Price, E. (2003). *Language and Broadcasting Policy*. htm.
- Rahman, Tariq (2007). *Pashto Language and Identity Formation in Pakistan*. Khyber- ORG. htm.
- Shohamy, Elana (2006). *Language Policy*. New York: Routledge.
- Warschauer, Mark (2007). "Language, Identity, and the Internet" .In B.Kolko,
L. Nakamura, & G. Rodman (Eds.), *Race in Cyberspace*. New York: Routledge.
- Zhou, M. (2000). *Language Policy and Illiteracy in Ethnic Minority Communities in China*. *Journal of Multilingual and Multicultural Development*. 21(2).